فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲
صفحات ۱۴۹ – ۱۶۹

# نقش محمّد بن‌بقیه در تحولات حکومتی عصر آل‌بویه[۱]

محسن مرسل‌پور[۲*]
آرمان فروهی[**]

## چکیده

حکومت آل‌بویه زمان کوتاهی پس از پیدایی‌اش در فارس، جبال و عراق گسترش یافت. در شاخه عراق، پس از مرگ معزالدوله پسرش عزالدوله به حکومت رسید. با قدرت‌گیری عزالدوله سستی به حکومت آل‌بویه عراق راه یافت که بخشی از آن معلول ناکارآمدی کارگزاران وی بود. محمّد بن‌بقیه از شخصیت‌های سیاسی و دیوانی عصر آل‌بویه عراق به شمار می‌رفت که در زمان عزالدوله به مقام وزارت رسید. وی پیشینه دیوان‌سالاری نداشت و از عیّاری به مقام وزارت دست یافت. مهارت او در گردآوری مال و تقدیم تحَف بسیار به عزالدوله، عامل اصلی دست‌یابی‌اش به وزارت بود، اما مشکل نداشتن پیشینه دیوان‌سالاری در روند کار وزارت او تأثیر گذارد و به پاره‌ای از ناسامانی‌ها انجامید. بر پایه یافته‌های پژوهش، ناکامی ابن‌بقیه در منصب وزارت حکومت بویهی از سویی از ناشایستگی وی در کارهای دیوانی و از سوی دیگر از استواری حکومت عزالدوله در عراق سرچشمه می‌گرفت.

این پژوهش برای پاسخ‌گویی به چیستیِ تأثیرات اوضاع سیاسی ـ اجتماعی دوران زندگی ابن‌بقیه در کوشش‌های وی در مسند وزارت سامان یافته است که با روش توصیفی، کارهای ابن‌بقیه و تأثیر او را در دگرگونی‌های سیاسی دوره حکومت بویهیان برمی‌رسد.

## کلید واژگان

آل‌بویه، وزارت، محمّد بن‌بقیه، عزالدوله، عضدالدوله.

---

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۳/۵ تاریخ پذیرش ۹۲/۵/۱.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه تاریخ، زاهدان، ایران.
morsalpour@yahoo.com
** کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی تهران(نویسنده مسؤل)، گروه تاریخ، تهران، ایران.
arman.forouhi@yahoo.com.

[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

## طرح مسئله

وزارت بـا وام‌گیـری از الگـوی ساسـانی در حکومت‌هـای دوره اسـلامی منصـب برجسته‌ای به شمار می‌رفت و به رتق و فتق امور دیوانی و مالی و لشکری می‌پرداخت. بیش‌تر وزیران از میان دبیران و کاتبان برجسته برگزیـده می‌شـدند و مراتـب ترقـی را می‌پیمودند، امـا گـاهی افـرادی بـدون تجربـه دیوان‌سـالاری کـار وزارت را بـر عهـده می‌گرفتند که پی‌آمدش ناسامانی امور بود. منصب وزارت در نخستین سده‌های اسلامی، گاهی تا سالیان پیاپی میان شماری از خاندان‌های شهیر مانند برمکی، بلعمی، جیهـانی و عتبی، همچون میراثی دست به دست می‌شد. این منصب پس از روی کارآمدن آل‌بویـه، در سنجش با دوره‌های پیش از آنان، از جایگاه مؤثرتری برخوردار شد که بی‌ارتبـاط بـا اقتدار فرمان‌روای بویهی نبود؛ یعنی اقتدار و شایستگی امیر حوزه قـدرت‌نمایی و نفـوذ وزیر را تعیین می‌کرد.

وزیران بزرگی همچون ابن‌عمید و فرزندش ابـوالفتح و صـاحب بن‌عبـاد، در وزارت عهد آل‌بویه بسی تأثیر گذاردند. محمّد بن‌بقیه به‌رغم تأثیرش در دگرگونی‌های سیاسـی مهم، شخصی ناشناخته به شمار می‌آید که تحقیق مستقلی دربـاره او صـورت نپذیرفتـه است و این پژوهش به ارزیابی شخصیت و عمل‌کرد او در دوران معزالدوله و عزالدوله می‌پـردازد و بـا توجـه بـه اهمیـت موضـوع، نخسـت جایگـاه منصـب وزارت را در دیوان‌سالاری عصر آل‌بویه سخن می‌گوید؛ سپس سیر قدرت‌یابی ابن‌بقیه را در مراحـل مختلف حضورش در حکومت آل‌بویه شاخه عراق، وامی‌کاود.

## وزارت در دوره آل‌بویه

بویهیان در آغـاز دیوان‌سـالاری متشـکلی نداشـتند، امـا پـس از قـدرت‌گیری، نظـام دیوان‌سالاری ساسانیان را اقتباس کردند و از دیوان‌سالاری خلافت نیز تـأثیر پذیرفتنـد. البته دیوان خلافت نیز خود وام‌دار نظام دیوانی ساسانیان بود. وزیر در ایـن نظـام، رأس تشکیلات دیوان‌سالاری بود و با نـام حـاکم بـویهی بـه اداره امـور می‌پرداخـت. او در سلسله مراتب قدرت در دوره آل‌بویه، پس از فرمان‌روا، جای می‌گرفت، اما هر زمان که صبغه نظامی حکومت فزونی می‌گرفت، قدرت وزیران از قـدرت امیـران نظـامی تـأثیر



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

می‌پذیرفت. بوسه معتقد است که حکومت آل‌بویه بیش‌تر به سربازانی وابسته بود که از میان قوم خود گردآوری شده بودند. خودکامگی مبتنی بر اشراف‌سالاری نظامی در این نهاد وجود داشت (بوسه، ۴/ ۲۱۹). این ویژگی قدرت وزیران را تهدید می‌کرد و تقابل‌هایی میان امیران و وزیران در عصر آل‌بویه پدید می‌آمد. هنگام آشفتگی سیاسی و جنگ‌های داخلی، قدرت امیران نظامی افزایش می‌یافت و در عمل‌کرد وزیران تأثیر می‌گذارد. مانند دوران پایانی حکومت آل‌بویه که وزیران قدرت بسیاری نداشتند، بلکه از امیران نظامی تأثیر می‌پذیرفتند. به هر روی، وزیران بویهیان در سنجش با وزیران عباسیان، از اعتبار بیش‌تری برخوردار بودند و وزرای شاخه عراق بر وزیران خلفا چیرگی داشتند.

قدرت وزیر بیش‌تر با اقتدار فرمان‌روای بویهی به شیوه معکوسی رابطه داشت. فرمان‌روا وزیر را برمی‌گزید و به گفته کبیر، این گزینش ضوابط مشخصی نداشت، بلکه بیش‌تر بر پایه خواست‌های شخصی فرمان‌روا استوار بود و نامزدهای وزارت در برابر پرداخت رشوه یا وعده دادن درباره افزایش خراج‌های مناطق، بدین مقام منصوب می‌شدند (کبیر، ۱۹۵). گاهی دو وزیر این مسئولیت را بر عهده می‌گرفتند که این کار از اقتدارشان می‌کاست. البته قدرت یافتن هم‌زمان دو وزیر در دوره ضعف امرای بویهی روی می‌داد. گمان می‌رود بویهیان در ستاندن رشوه برای رساندن شخصی به وزارت، از عباسیان الگو گرفته باشند؛ زیرا عباسیان نیز در این کار آوازه‌ای داشتند، اما چنین فرآیندی در شاخه بغدادی حکومت آل‌بویه بیش‌تر رواج یافت. هنگامی که حکومت آل‌بویه در دست فرمان‌روایی قدرت‌مند بود، وزیران از نفوذ بسیاری برخوردار نبودند. البته گاهی با انتصاب شخصیت‌های برجسته به منصب وزارت، قدرت شاهان آل‌بویه در سایه قرار می‌گرفت. متحده معتقد است که در این هنگام، شاهان ضعیف برای محفوظ نگاه داشتن خود از قدرت فزونی‌یابنده وزیران، سوگند وفاداری دوسویه با آنان برقرار می‌کردند (متحده، ۶۸). وزیر در رأس دیوان‌ها جای داشت و بر کار رئیس‌های دیوان‌ها نظارت می‌کرد. به عقیده کبیر، رئیس‌های دیوان‌ها تنها در برابر شاه مسئولیت می‌پذیرفتند و به وزیر پاسخ‌گو نبودند (کبیر، ۴۸)، اما این ادعا درباره سراسر دوره حکومت آل‌بویه درست نمی‌نماید، بلکه گاهی همچون دوره حکومت عزالدوله، وزیر



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

به واسطه قدرتش، اختیارات دیوان‌ها را به خود منتقل می‌کرد؛ یعنی درباره همه امور حکم می‌راند.

وظایف وزیران عصر آل‌بویه تنها به امور دیوانی محدود نمی‌شد، بلکه بنابر ضرورت، گاهی مسئولیت عملیات نظامی و فرماندهی سپاه را بر عهده می‌گرفتند. ثعالبی می‌نویسد که ابوالفتح بن‌عمید بدین سبب از خلیفه لقب «ذوالکفایتین» دریافت کرد که امور دیوانی و سپاه رکن‌الدوله را به خوبی می‌گرداند (ثعالبی، ۲۳۳). صاحب بن‌عباد و محمّد بن‌بقیه نیز از وزیران بویهیان بودند که هم‌زمان با وزارت خود، فرماندهی لشکر را نیز بر عهده داشتند خواندمیر، ۱۱۹). ابوالفضل شیرازی وزیر عزالدوله نیز مأموریت‌های نظامی بر عهده می‌گرفت. برای نمونه، هنگامی که حبشی برادر بختیار بر او شورید، شیرازی برای فرونشاندن شورش او گسیل شد (ابن‌اثیر، ۲۰/ ۲۹۵).

اداره امور مالی از کارکردهای مهم وزارت در دوره آل‌بویه بود؛ یعنی وزیر افزون بر نظارت بر دیوان‌ها و گردآوری خراج‌های مناطق، می‌بایست می‌توانست زمینه را برای افزایش درآمد برای پرداخت مستمری سپاهیان امیر و راضی نگاه داشتن آنان فراهم کند (مسکویه، ، ۶/ ۳۴۶). توفیق‌مندی وزیر در کارهای مالی، در روند کار وی و بلندای دوره وزارتش تأثیر می‌گذارد. آدام متز معتقد است: «همه وزیرانی که طی قرن چهارم برکنار شدند یا کنار رفتند، بر اثر شکست در برابر مشکلات مالی بود» (متز، ۱۱۲). بی‌استقلالی مالی وزیر سبب شده بود که از سویی همواره درباره برکناری‌اش از مقام خود نگران باشد و از سوی دیگر به گردآوری ثروت بپردازد تا با فرض برکناری‌اش، بتواند زندگی خود را از دید مالی تأمین کند. مصادره اموال محکومان و محصولات زراعی، دریافت اقطاع از شاهان آل‌بویه و پیشکش‌های گردآورندگان خراج، از منابع مالی و ابزارهای درآمد وزیران آل‌بویه به شمار می‌رفت. وزیران افزون بر این منابع مالی که میزان آنها متغیر بود، ماهانه حقوق نقدی و مقرری جنسی دریافت می‌کردند. ابن‌بقیه هر روز هزار پیمانه یخ و هر ماه چهار هزار مَن، شمع می‌گرفت (ابن‌جوزی، ۱۴/ ۲۱۵). ساختار وزارت در عصر آل‌بویه، منسجم و منظم نبود و این مشکل در دوران شاهان ضعیف و به تبع او، وزرای ناکارآمدش، بیش‌تری رخ می‌نمود.



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

محمّد بن‌بقیه از این دست وزیران بود که در دوران آشفته حکومت آل‌بویه عراق بر سر کار آمد.

### تکاپوی ابن‌بقیه برای دست‌یابی به وزارت

بر پایه گزارش احوال و افکار ابن‌بقیه پیش از رسیدنش به وزارت، چیزهای بسیاری نمی‌توان به دست آورد، بلکه تنها از زمان حکومت معزالدوله در عراق که ابن‌بقیه به دستگاه حکومت وی راه یافت، کمابیش اطلاعاتی درباره وی موجود است. ابوطاهر محمّد بن‌بقیه از مردمان دهی معروف به اَوَانا بود. به گفته یاقوت حموی، اَوَانا نزدیک دجله و در شمال بغداد قرار داشت (حموی، ۲۷۴/۱). ابن‌بقیه در خانواده‌ای کشاورز پرورش یافت و پدرش کشاورز بود و در زمان تسلط روستاییان بر راه دجله، به جرگه عیاران پیوست و از کشتی‌هایی که از دجله می‌گذشتند، مالیات می‌گرفت.

درباره چگونگی پیوستن ابن‌بقیه به معزالدوله داده‌های فراوانی در دست نیست. به روایت ابن‌جوزی، محمّد بن‌بقیه برادری به نام مکّنا داشت که در آشپزخانه امیر آل‌بویه به ابوالحسن خدمت می‌کرد. محمد بن‌بقیه به برادرش پیوست و در آشپزخانه به خدمت‌رسانی سرگرم شد (ابن‌جوزی، ۱۴/ ۲۱۶). بنابر روایت دیگری، ابن‌بقیه به مملّه سرآشپز معزالدوله و پیمان‌کار تکریت و مسئول مالیات کشتی‌ها نزدیک شد و مملّه او را فردی شایسته یافت و به خودش نزدیک کرد (مسکویه، ۳۴۵/۶). بنابراین، ابن‌بقیه از طریق آشپزخانه سلطنتی توانست به دستگاه حکومت آل‌بویه راه یابد. معزالدوله بر پایه برخی از روی‌دادها از مملّه روی گرداند و ابن‌بقیه به جای وی، کارها را در دست گرفت و به گردآوری مالیات قایق‌های دجله و نظارت بر آشپزخانه معزالدوله پرداخت (ابن‌جوزی، ۱۴/ ۲۱۶؛ مسکویه، ۶/ ۳۴۵)، اما گویی نتوانست کارایی خود را در این زمینه‌ها اثبات کند و به‌زودی از مناصبش برکنار شد؛ چنان‌که مسکویه اشاره می‌کند: در دوره عزالدوله آشپزخانه سلطنتی و مالیات کشتی‌ها به وی بازگردانده شد (مسکویه، ۶/ ۳۴۶).

باری، نشستن بختیار بر تخت شاهی، به پیش‌رفت ابن‌بقیه انجامید. خلیفه بختیار را





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

«عزالدوله» خواند (۳۴۸ ق) (Donohue, ۱۱۱) و او بر جای پدرش نشست (۳۵۶ ق) و ابن‌بقیه نیز توانست مناصب قبلی‌اش را باز یابد. وی خود را به بختیار نزدیک کرد و میزان حق کارگزاری مالیات کشتی‌ها را به بختیار تا ده هزار درهم افزایش داد. گمان می‌رود این افزایش با اجحاف و تعدی و سوء استفاده شخصی صورت پذیرفته باشد. به گفته مسکویه، ابن‌بقیه از عزالدوله خواست تا در برابر دبیران و دیوان‌داران از او پشتیبانی و از بازرسی آنان جلوگیری کند (مسکویه، ۶/ ۳۴۶). افزایش مالیات موجب نزدیکی محمّد بن‌بقیه به بختیار و بدل شدن او به هم‌نشین خلوت‌گاه‌های بازی و شوخی امیر بویهی شد. محمّد بن‌بقیه از هر ابزاری سود می‌جست تا جای خود را در دستگاه حاکمیت آل‌بویه باز کند و با تقدیم هدایای گران‌بها بدین هدف رسید. مسکویه می‌نویسد که ابن‌بقیه با پیشکش کردن اسب، اَستر، باز، کنیز و غلام به عزالدوله، به جاه و جلالی رسید که میانجی دادخواهان و نیازمندان شد (همان: ۳۴۷). وی پس از این خوش‌خدمتی‌ها، به فرمان عزالدوله مأمور شد مالی را از شخصی یا ولایتی بگیرد که کسی پیش از این، از عهده‌اش بر نیامده بود (نخجوانی، ۲۴۰). ابن‌بقیه با کوشش فراوان توانست این کار را به سامان برساند و بیش از پیش، خود را به امیر بویهی نزدیک کند. کاهن اسباب پیش‌رفت ابن‌بقیه را چرب‌زبانی او در محاوره و زبردستی‌اش در توطئه درباره رقیبان مدعی قدرت و مهارتش در تقدیم پیشکش به امیر دانسته است (Cahen, ۳/۷۳۰). این عوامل در پیش‌رفت ابن‌بقیه تأثیر گذارد، اما چیره‌دستی او در رتق و فتق امور مالی نیز در این‌باره بسیار مؤثر بود.

مشکلاتِ فراروی ابوالفضل شیرازی، وزیر عزالدوله، زمینه را برای وزارت ابن‌بقیه فراهم آورد. تأمین منابع مالی و افزایش درآمد حکومت از وظایف شخص وزیر در عصر آل‌بویه به شمار می‌رفت. این مسئله در روابط وزیر و امیر آل‌بویه چالش‌برانگیز بود؛ چنان‌که بارها به برکناری وزیران انجامید. کارکرد اقتصادی وزیر نزد حاکمان آل‌بویه شاخه عراق بسیار مهم می‌نمود. خزانه کشور در دوران عزالدوله وضع شایسته‌ای نداشت. کبیر معتقد است که مشکلات اقتصادی عزالدوله، بیش‌تر از سیاست‌های پدرش سرچشمه می‌گرفت که از سویی، درآمد میراث او؛ یعنی قلمروهای عراق و اهواز، بسیار اندک و از سوی دیگر، خراج بیش‌تر شهرها و مناطق از آنِ امیران



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

نظامی بود (کبیر، ۴۰-۳۹). عزالدوله دربـاره گـزینش وزیرانـی می‌اندیشـید کـه بتواننـد درآمد بیش‌تری برای او فراهم آورند. گزینش ابوالفضل شیرازی نیز برای حل مشکلات مالی صورت پذیرفت. به گزارش مسکویه، عزالدوله پیش از گماردن ابوالفضل شیرازی به وزارت، به وی وعده داده بود که اگر مواجب سپاهیان را تـأمین و آنـان را آرام کنـد، او را به وزارت برمی‌گزیند (مسکویه، ۲۹۱/۶). ابوالفضل کوشـید کـه اوضـاع اقتصـادی را بهبود بخشد، اما در این زمینه کام‌یـاب نبـود. او بـرای تـأمین مواجـب سـپاهیان بـه مصادره اموال مردم، بازرگانان و سران شهر پرداخت که این کار به خشم مردم انجامید؛ چنان‌که به چپاول و آتش زدن بازارها پرداختند. مسکویه می‌نویسد که او با این کـارش «هیبت دولت را بیش از پیش شکسـت» (مسـکویه، ۳۷۰/۶). دیگـر کارهـای ابوالفضـل شیرازی نیز روابطش را با عزالدوله سست کـرد. بـرای نمونـه، نقیـب شـیعیان، حسـین بن‌موسی را از کار به کناری گـذارد و بـا سـبکتگین، فرمانـده سـپاهیان رابطـهٔ نیکـویی نداشت (کبیر، ۴۹). چنین روی‌دادهایی بـر ناکارآمـدی ابوالفضـل شـیرازی در منصـب وزارت دلالت می‌کرد.

هم‌زمان با مشکلات ابوالفضل شیرازی، زمینه برای وزارت ابن‌بقیه فراهم شد. ابن‌بقیه ارتباطش را با افراد بانفوذ حکومتی استوارتر کرد و این افراد راه رسیدنش را بـه وزارت به وی نشان دادند. محمّد بن‌احمد جرجرایی نائـب وزیـر در امـور سـپاه و بـا ابونصـر سراج، از اقطاع‌داران بزرگ، از کسانی بودند که ابن‌بقیه بدیشـان نزدیـک شـد. آنـان بـه ابن‌بقیه پیش‌نهاد کردند که برای رسیدن به وزارت بکوشد (مسـکویه، ۳۷۲/۶). ابن‌بقیـه که گویی نخست از دست‌یابی به وزارت می‌هراسید، در پاسخ به پیش‌نهاد جرجرایـی و ابونصر سراج چنین گفت: «من نه هنری دارم و نـه دقتـی بـرای آن کـار کـه مـرا بـدان می‌خوانید. اکنون من نزد فرمان‌رَوایم، جایی دارم که وزیران در آن بـه مـن نیـاز دارنـد. می‌ترسم به کاری دست یازم که شایستگی آن را نـدارم و نتـوانم انجـام دهـم» (همـان، ۳۷۲/۶ و ۳۷۳). از این سـخن ابن‌بقیـه اسـتنباط می‌شـود کـه او بـرای پـذیرش چنـین مسئولیتی توان و آمادگی نداشته است، اما با اصرار دوباره جرجرایی، ابن‌بقیـه پیش‌نهـاد او را پذیرفت و هر دو در این‌بـاره بـا سـبکتگین سـخن گفتنـد. سـبکتگین، ابن‌بقیـه را خدمت‌گزاری پَست می‌شمرد و حتـی وی را شایسـتهٔ آمـدن بـه خانـه‌اش نمی‌دانسـت





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

(همان)، اما به وزارتش رضایت داد. هم‌چنین عزالدوله پس از آگاهی از چنین خبری، وزارت ابن‌بقیه را پذیرفت.

هم‌دستی بر ضد وزارت ابوالفضل شیرازی با شرکت احمد بن‌جرجرایی، ابونصر سراج و سبکتگین صورت پذیرفت؛ یعنی هر یک از اینان با هدف مشخصی در این توطئه شرکت کردند. ابونصر سراج در پی برگرداندن اقطاع خود بود و جرجرایی افزایش مقرری خود و سپاهیانش را دنبال می‌کرد و سبکتگین از تلاش شیرازی برای تضعیف جایگاهش نزد ترکان باخبر شده بود و در پی جبران آن بود (همان، ۳۷۱/۶ و ۳۷۲ و ۳۷۳). ابوالفضل شیرازی در این زمان به مصادره اموال ابوسهل دیزویه، صاحب دیوان عرض سپاه برآمد و این ماجرا برای محمّد بن‌بقیه که در پی مخالفت آشکار با ابوالفضل شیرازی بود، زمینه نیکویی فراهم آورد. ابوالفضل شیرازی، ابوسهل دیزویه را دست‌گیر کرد و این کار بهانه‌ای به دست مخالفان شیرازی داد. آنان او را به زندان افکندند و مقام وزارت را به ابن‌بقیه سپردند. بنابراین، محمّد بن‌بقیه که از دید مسکویه «شایسته دوات‌داری یک وزیر» هم نبود (همان، ۳۷۲/۶)، دوشنبه هفتم ذی‌الحجه ۳۶۲، خلعت وزارت پوشید (همان، ۳۷۵/۶). ابن‌اثیر معتقد است که رفتار شیرازی در برافتادن او، عاملی مهم‌تر از توطئه دشمنانش بوده است؛ زیرا به مردم ستم می‌ورزیده و گویی عزالدوله نیز از وی خشنود نبود. سه سال پیش از این نیز عزالدوله، ابوالفضل را دست‌گیر کرده و ابوالفرج را بر جای وی نشانده و اندک زمانی پس از این، ابوالفضل را دوباره به وزارت گمارده بود (ابن‌اثیر، ۲۱ /۱۲) که شاید این کار از سر بی‌چارگی (استیصال) بوده باشد.

کاهن معتقد است که انتصاب ابن‌بقیه به وزارت با رسم معمول سازگار نبود؛ زیرا بر پایه آن، وزرا بیش از یک قرن همواره از میان عاملان دیوانی گزینش می‌شدند (Cahen, ۳/۷۳۰). مردم نیز از منصوب شدن ابن‌بقیه به وزارت شگفتی‌زده شدند؛ چنان‌که به گزارش مسکویه، مردم دور و نزدیک به او می‌خندیدند (مسکویه، ۳۷۵/۶). ابن‌جوزی می‌نویسد که وزارت ابن‌بقیه نزد مردم لطیفه‌ای شده بود و می‌گفتند: «از خوان نعمت تا وزارت» (ابن‌جوزی، ۲۱۶/۱۴). ابن‌بقیه با بالا بردن درآمد عزالدوله و تقدیم هدایای گزاف به وی، خود در دید او شایسته مقام وزارت می‌نُمود،



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

اما گویی بر اثر نداشتن جایگاهی در دیوان‌سالاری، مردم او را شایسته این مقام نمی‌دانستند.

وزارت ابن‌بقیه نزد مردم عجیب می‌نمود، اما این شگفتی، مانع نشد که خلیفه عباسی به او لقب اعطا نکند. اعطای لقب به کارگزاران حکومتی در دوره عباسیان به رسمی منحط بدل شده بود و حتی گاهی خلفا با دریافت هدیه به اِعطای لقب می‌پرداختند. در دوره حکومت بویهیان نیز اعطای لقب بسی رواج داشت؛ چنان‌که به سفارش عزالدوله بختیار، مطیع خلیفه عباسی ابن‌بقیه را «ناصح» لقب داد (۳۶۲ ق) (ابن‌جوزی، ۲۱۵/۱۴). خلیفه طائع نیز او را «نصیرالدوله» خواند (۳۶۴ ق) (همدانی، ۲۲۴؛ مسکویه، ۴۲۰/۶). این کار سابقه نداشت؛ یعنی ابن‌بقیه نخستین وزیر بویهی بود که دو لقب داشت و این خود از توانایی او در نزدیک شدن به خلفا خبر می‌دهد.

## کارهای ابن‌بقیه در دوره وزارت

ابن‌بقیه پس از رسیدن به وزارت برای تثبیت قدرت خود به کارهایی دست زد. وی نخست به حذف رقیبان محتمَلش پرداخت. ابوالفضل شیرازی از مقام وزارت عزل شده بود، اما خطری برای وزارت نوپای ابن‌بقیه به شمار می رفت. بنابراین، او تلاش کرد که وی را از سر راهش بردارد و اموالش را تصرف کند. ابن‌بقیه، بر ابوالفضل شیرازی فشار آورد و صد هزار دینار از او گرفت؛ سپس او را به ابوالحسن بن‌محمّد بن‌یحیی علوی کوفی (دشمن شیرازی) سپرد. علوی، شیرازی را در کوفه به زندان افکند و شیرازی پس از زمانی در زندان درگذشت. ابن‌بقیه هم‌چنین در بازپرسی از کارمندان، برده‌داران و غلامان و هر کسی که با او پیوندی داشت، بسیار سخت‌گیری می‌کرد تا همهٔ دارایی آنان را مصادره کند (مسکویه، ۶/ ۳۷۵ و ۳۷۶). دیگر رقیبان ابن‌بقیه، ابوالفرج (فسانجس) و ابومحمّد (فسانجس خازن) بودند. این دو برادر به کارهایی بر ضد وزارت ابن‌بقیه می‌پرداختند. پس از مهلبی در زمان معزالدوله، منصب وزارت به شکل مشترک به ابوالفرج و ابوالفضل شیرازی سپرده شد و این دو با یک‌دیگر همواره درگیر بودند. سرانجام در زمان عزالدوله شیرازی توانست حکومت امیر بویهی را به تنهایی به دست بگیرد. با توجه به





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

سابقه ابوالفرج در امر وزارت و زندانی بودن شیرازی، زمینه برای حضور دوباره ابوالفرج در عرصه سیاسی فراهم آمد، اما ابن‌بقیه با هوشیاری مانع چنین کاری شد. به فرمان وی، ابوالفرج پس از مطالبه اموال به زندان سامرا فرستاده و ابومحمّد به واسط و سپس بطیحه تبعید شد (همان: ۶/ ۳۴۶).

دیگر کارگزاران حکومتی نیز از کارهای خصمانه ابن‌بقیه برکنار نبودند. ابن‌بقیه در پی تثبیت وزارت خود و کسب مال برای معزالدوله بود. بنابراین، به حذف رقیبان و دشمنان خود و مصادره اموال آنان می‌پرداخت. ابوقره قنائی، علی بن‌حسین شیرازی و محمّد بن‌احمد جرجرایی، نمونه این کارگزاران بودند. ابوقره از کارگزاران عزالدوله در واسط به شمار می‌رفت. امیر بویهی مدتی در واسط زیست و مردم درباره عمل‌کرد ابوقره به وی اعتراض کردند. عزالدوله نیز با مشاهده وضع مردم، ابوقره را برکنار و حکومت آن را به ابن‌بقیه سپرد. ابوقره با پشتیبانی سبکتگین، ابن‌بقیه را تهدید کرد و خواستار برگرداندن اموال خود شد (مسکویه، ۶/ ۳۴۸ و ۳۴۹). ابن‌بقیه بر این شد که ابوقره را دست‌گیر کند و هم‌زمان با این روی‌داد، سهل بن‌بشر نصرانی کارگزار عزالدوله در اهواز، در برابر وعده مال فراوان، خواستار تحویل ابوقره شد. ابوقره برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای، پیش‌دستی کرد و به پرداخت مبلغ فراوانی متعهد شد و ابن‌بقیه این درخواست را پذیرفت. برای برقراری پیمان دوباره، میان ابوقره و ابن‌بقیه، خلعت آماده کردند، اما منجمان زمان تحویل خلعت را نامیمون دانستند. بار دیگر نامه‌ای از سهل بن‌بشر رسید و در برابر پول بیش‌تر خواستار فرستادن ابوقره شد. ابن‌بقیه، ابوقره را دشمن سرسخت خود می‌دانست و از این‌رو، به عزالدوله پیش‌نهاد کرد که او را تحویل دهد. بختیار نیز با چنین امری موافقت کرد و ابوقره پس از رسیدن به اهواز، زیر شکنجه کشته شد (همان). دیوان ابوقره نیز سرنوشتی بهتر از خود وی پیدا نکرد و ابن‌بقیه آن را به ابومحمّد بن‌جعفر سپرد و همه کارها را خودش به دست گرفت و از این دیوان جز نام، چیزی نماند (همان: ۶/ ۳۵۰).

محمّد بن‌احمد جرجرایی از دیگر کارگزاران حکومت آل‌بویه عراق بود که ابن‌بقیه بر او خشم گرفت. وی در به قدرت رساندن ابن‌بقیه تأثیرگذار بود. گویی ابن‌بقیه جرجرایی را رقیبی برای مقام وزارت خود می‌دانست. به گزارش مسکویه، جرجرایی



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

به عللی مانند برتری‌اش در دبیری، برخورداری‌اش از حمایت مطلق عزالدوله و سخن گفتنش به فارسی که برای رسیدن به وزارت امتیازی به شمار می‌رفت، در سنجش با ابن‌بقیه برای وزیر شدن شایسته‌تر و برتر می‌نمود (همان، ۳۸۵). بنابراین، ابن‌بقیه به دنبال فرصتی بود که جرجرایی را از سر راهش بردارد. نامه فرستادن کراعی، دوست ابن‌بقیه، درباره دست‌گیری علی بن‌حسین شیرازی- کارگزار بصره، زمینه خوبی برای محمّد بن‌بقیه فراهم کرد. وی برای دور کردن جرجرایی از مرکز حکومت، او را به انگیزه مصادره اموال شیرازی، به بصره فرستاد. جرجرایی در بصره به جای مصادره اموال شیرازی، با وی بر سر افزایش خراج بدون تصدیق ابن‌بقیه به توافق رسید و این توافق ابن‌بقیه را خشمگین کرد؛ چنان‌که به کراعی فرمان داد جرجرایی و شیرازی را دست‌گیر کند. علی بن‌حسین شیرازی پس از تحویل اموال فراوان، به کار خویش پرداخت و جرجرایی نیز پس از پرداخت بدهی گزاف به ابوغالب کارگزار واسط تحویل داده شد. گفته‌اند پس از زمانی جرجرایی بر اثر بیماری در گذشته است (همان).

از کارهای مهم ابن‌بقیه در دوره وزارتش، تلاش برای آشتی سبکتکین و عزالدوله با یک‌دیگر بود. اختلاف میان عزالدوله و سبکتکین از مشکلات برجسته حکومت در این زمان به شمار می‌رفت. عزالدوله از چیرگی سبکتکین بر امور نظامی می‌ترسید و به‌رغم وصیت پدرش، در کاهش قدرت او می‌کوشید و بدین سبب روابط آن دو به سستی گرایید. ابن‌بقیه از طریق میانجی کردن بزرگان و تبادل پیام‌ها به واسطهٔ دبیران و سرداران، برای آشتی عزالدوله بختیار با سبکتگین می‌پرداخت و سرانجام سبکتکین و عزالدوله سوگند خوردند که یک‌دل و هم‌پیمان باشند. این تلاش بر ثر ناپیداری دوام سوگند و بازگشت دشمنی (ابن‌اثیر، ۴۱/۲۱) ناکام ماند، اما زمانی کوتاه مشکلات بزرگ حکومت عزالدوله را حل کرد.

ابن‌بقیه عامل مؤثری در لشکرکشی عزالدوله به موصل نیز به شمار می‌رفت. موصل به علت جایگاه سیاسی و اقتصادی مطلوبش، همواره نزد امیران بویهیِ شاخه عراق، مهم می‌نمود. حمدان و ابراهیم فرزندان ناصرالدوله، به عزالدوله پناهنده شدند (۳۶۳ق). این دو، برادرانِ ابوتغلب بن‌ناصرالدوله حمدانی حاکم موصل بودند که در





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

قالب شکایت از برادرشان، از عزالدوله کمک می‌خواستند (ابن‌اثیر، ۴۳/۲۱). ابن‌بقیه نیز با ابوتغلب دشمن بود و در پی زمینه‌ای برای سرکوب کردن ابوتغلب بود؛ زیرا ابوتغلب و وزیرش در نامه‌های خود، وی را با لقب‌هایی پایین‌تر از وزیران پیشین یاد کرده بودند و ابن‌بقیه از این کار خشمگین بود. کسب مالیات موصل، تأمین خواربار و علوفه چارپایان و دور کردن عزالدوله از پایتخت برای چیرگی بیش‌تر بر دستگاه حکومت، از دیگر هدف‌های ابن‌بقیه برای فرستادن سپاه به موصل، به شمار می‌رفت (مسکویه، ۳۷۸/۶). ابوتغلب پس از شنیدن خبر حمله عزالدوله به موصل، به بغداد رفت. ابن‌بقیه و سبکتگین به فرمان عزالدوله به مذاکره پرداختند و مقرر کردند که ابوتغلب هزینه مخارج جنگ عزالدوله را بپذیرد و چیرگی وی بر موصل و پیرامون آن ابقا شود. عزالدوله برای استحکام روابط خود با ابوتغلب، لقب «عدۀ الدوله» را از خلیفه المطیع الله برای او گرفت و دخترش را به همسری وی داد (ابن‌اثیر، ۴۵/۲۱).

سیاست مزدورانه ابن‌بقیه و بی‌وفایی او به عزالدوله هنگام ورود عضدالدوله به بغداد آشکار شد. ابن‌بقیه تا ۳۶۴ قمری بر امور چیرگی داشت، اما نتوانست مانع افزایش اختلاف ترکان و دیلمیان شود. با مرگ سبکتگین، البتگین بر جای او نشست. با افزایش اختلاف ترکان و دیلمیان با یک‌دیگر، جنگی میان عزالدوله و امیر نظامی جدید رخ داد که به شکست عزالدوله انجامید. پس از این عزالدوله از رکن الدوله کمک نظامی درخواست کرد و او وزیرش ابوالفتح بن‌عمید و فرزندش عضدالدوله را بدین سامان‌دهی این کار روان ساخت. عضدالدوله «چون در این کار نگریست و از آن سستی و کار نادانستن بختیار آگه شد، طمع کرد اندر عراق و به حیله، بختیار را بازداشت و نمی‌یارست از جهت پدر آشکار کردن» (مجمل التواریخ و القصص، ۳۹۳). عضدالدوله بدین سبب عامدانه در رفتن به بغداد تأخیر می‌کرد تا اوضاع عزالدوله به سختی گرایَد و هم هنگامی که به بغداد رفت، در سست کردن پایه‌های حکومت عزالدوله کوشید.

سپاه عزالدوله به رهبری ابن‌بقیه و سپاه عضدالدوله به هم پیوستند و ترکان را شکست دادند (مسکویه، ۴۰۴/۶ و ۴۰۵). سپس عضدالدوله به بغداد رفت و در میهمانی



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

بزرگی، بر ابن‌بقیه خلعت پوشاند، اما در نهان با سرداران سپاه قرار گذاشت که به بهانه اندک بودن پاداش پیروزی در جنگ، بشورَند (مسکویه، ۴۰۶/۶؛ ابن‌اثیر، ۶۳/۲۱). سپاهیان به شورش بزرگی دست زدند و عضدالدوله درباره کناره‌گیری به عزالدوله پیش‌نهاد کرد که وی نیز با مشاهده اوضاع، آن را پذیرفت (مسکویه، ۴۰۷/۶). عضدالدوله امور بغداد را به دست گرفت و ابن‌بقیه به پیروی از عضدالدوله گردن نهاد و وی را در مصادره اموال یاری کرد (همدانی، ۲۲۱). ابن‌بقیه که عضدالدوله را قدرت‌مندتر می‌دید، خود را به او نزدیک کرد. گمان می‌رود او به منصب وزارت عضدالدوله چشم داشته است. سجادی معتقد است که ابن‌بقیه از سرانجام خویش در مقام وزارت بختیار بیم‌ناک بود و می‌دانست که اگر دوباره زمام امور را به دست گیرد، بختیار با وی هم‌سان وزیران پیشین رفتار خواهد کرد (سجادی، ۱۳۲/۳)، اما عامل اصلی روی‌گردانی ابن‌بقیه از عزالدوله، قدرت برتر عضدالدوله و فرصت‌طلبی ابن‌بقیه بوده است نه ترس وی از عزالدوله؛ زیرا بر اینکه قدرت ابن‌بقیه پیش از ورود عضدالدوله به ضعف گرایید، شاهدی در کار نیست. بنابراین، ابن‌بقیه که مسکویه او را فردی شایسته نمی‌دانست (مسکویه، ۴۱۰/۶)، از دید فکری و عملی، به عضدالدوله بسیار کمک کرد.

شاید ابن‌بقیه منتظر بوده باشد که عضدالدوله او را به وزارت برگزیند، اما عضدالدوله مقام وزارت خودش را به او نسپرد، بلکه وی را به وزارت پسرش ابوالحسین گماشت؛ سپس از او خواست که کارگزاری هر جایی را که بخواهد، به او بدهند. ابن‌بقیه واسط، تکریت، اوانا و عکبرا را برگزید. هم‌چنین پیش‌نهاد کرد که لقب سلطنتی و حق قباپوشی داشته باشد که این پیش‌نهاد را پذیرفتند. مسکویه معتقد است که ابن‌بقیه در سنجش به وضع پیشین خود «هیچ کم نداشت؛ جز نام وزارت» (همان)، اما روشن است که عضدالدوله وی را شایسته وزارت نمی‌دانست و ابن‌بقیه از این اوضاع خشنود نبود و به همین سبب، هنگام رفتن به واسط، سرپیچی کرد و اگرچه از نرسیدن به وزارت راضی نبود، بهانه‌اش را رفتار نامناسب با عزالدوله خواند. وی هم‌چنین عمران بن‌شاهین و سهل بن‌بشر نصرانی را به سوی خود جذب کرد (ابن‌اثیر، ۶۴/۲۱). عضدالدوله سپاهی را برای رویارویی با ابن‌بقیه فرستاد و دو سپاه در





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

دجله با یک‌دیگر درگیر شدند و لشکریان عضدالدوله به زشت‌ترین صورت شکست خوردند. هم‌زمان ابن‌بقیه، نامه‌ای درباره احوال خود و بختیار به رکن‌الدوله نوشت (همان، ۶۵/۲۱). عضدالدوله نیز به پدرش نامه نوشت و وضع آشفته عراق را به وی گزارش کرد، اما رکن‌الدوله در این‌باره قانع نشد و خواستار بازگشت عضدالدوله به فارس بود. پس از کشاکش فراوان، سرانجام عضدالدوله پذیرفت که به فارس بازگردد. عزالدوله نیز آزاد شد و به کار خود پرداخت. بنابراین، ابن‌بقیه در روی کار آمدن دوباره عزالدوله، بسیار مؤثری بود.

پس از روی کار آمدن دوباره عزالدوله، زمینه برای وزارت ابن‌بقیه فراهم آمد. بختیار نخست به ابن‌عمید، وزیر رکن‌الدوله درباره وزارت پیش‌نهاد کرد، اما او پیش‌نهاد وی را نپذیرفت (مسکویه، ۴۱۸/۶). بنابراین، گزینهٔ منصب وزارت عزالدوله، ابن‌بقیه بود. ابن‌بقیه زمانی نزد دشمن وی؛ یعنی عضدالدوله خدمت کرده بود، اما از این روی که در قدرت‌یابی دوباره‌اش تأثیر گذارد، همچنان او را برای منصب وزارت شایسته می‌دید. ابوالحسن محمّد بن‌عمر علوی و ابونصر بن‌سراج نامه صلح را دادند و گرفتند و سرانجام امیر و وزیر برای یک‌دیگر سوگند یاد کردند (همان، ۴۲۰/۶) و ابن‌بقیه به منصب وزارت بازگشت. او در پی این بود که جایگاه و منزلت گذشته‌اش را باز یابد. پس از سویی در دامن زدن به بدبینی عزالدوله و عضدالدوله درباره یک‌دیگر کوشید و به خبرچینی میان آن و بدگویی نزد هر یک از آنان پرداخت و کار را به آن‌جا رساند که زمینه‌ای برای آشتی آن دو با یک‌دیگر نماند و از سوی دیگر، وضع جامعه را از طریق قتل پسر ابوعقیل، فرمانده پلیس سبکتگین (کشندهٔ گروهی از شیعیان)، آشفته کرد (همان). این تحریک‌های ابن‌بقیه سبب شد که خود عزالدوله نیز به‌رغم توصیه رکن‌الدوله در تجدید اسباب بدبینی درباره عضدالدوله تا اندازه‌ای پیش‌گام شود. گمان می‌رود که ابن‌بقیه از انتقام عضدالدوله می‌هراسیده و به فراست دریافته باشد که عضدالدوله طمع تصرف بغداد را از سرش بیرون نخواهد کرد. ماندن عزالدوله در قدرت به ابن‌بقیه زمینه‌ای بیش‌تری برای کارهایش فراهم می‌کرد و به همین سبب می‌کوشید تا اتحادیه‌ای بر ضد عضدالدوله بر پا کند تا شاید بتواند عزالدوله را در قدرت نگاه دارد. عزالدوله به‌واسطه ابن‌بقیه، دختر خود را به



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

هم‌سری الطائع داد بدین سبب هم خلیفه را بـا سیاسـت خـود دربـاره ولایـات شـرقی آل‌بویه هم‌سو کند و هم متحدی داشته باشد تا مخالفان را به سوی بکشاند (زرین‌کوب، ۴۴۱/۲؛ بوسه، ۲۳۲/۴). کارهای عزالدوله موجب شد که عضـدالدوله دربـاره سرکشـی عزالدوله بدگمان شود؛ چنان‌که پس از مرگ رکن‌الدوله به قصد بر کندن ریشه عزالدوله راهی بغداد شد.

## دوره ضعف ابن‌بقیه

ابن‌بقیه توانست قدرت فراوانی در منصب وزارت فراچنگ آورَد، اما بر اثر بی‌تجرگی در مقام وزارت، زمینه‌ای برای ناخرسندی عزالدوله فراهم کـرد. عزالدولـه از خطاهـای فراوان وی چشم پوشید، اما ابن‌بقیه با او به شایستگی رفتار نمی‌کرد و به همهٔ کارهـای وی با دودلی می‌نگریست. ابن‌بقیه فرمان داده بود که مالیات‌ها به خزانهٔ وی واریز شـود و عزالدوله بختیار به اندازه معین مالیات دریافت کند. ابن‌اثیر می‌نویسد کـه عزالدولـه از ابن‌بقیه ناخرسند بود؛ زیرا از باج‌هایی که او می‌ستاند، چیزی به وی نمی‌رسید (ابن‌اثیـر، ۸۶/۲۱). بختیار سرانجام از کارهای ابن‌بقیه خشمگین و بر این شد که سـهل بن‌بشـر را بر جای او بنشانَد. عزالدوله سرداران خود را برای هم‌دستی با سـهل بن‌بشـر بـه اهـواز فرستاد. سرداران و سهل در آن‌جا بر ابن‌بقیه شوریدند. با رسـیدن ایـن خبـر بـه بغـداد، ابن‌بقیه در پی فرونشاندن شورش برآمد. عزالدوله که سرانجام کـار بیم‌نـاک شـده بـود، ارتباطش را با این شورش انکار کرد. ابن‌بقیه بـه سـرعت شـورش را سـرکوب کـرد و سرداران به عضدالدوله پناه بردند و سهل بن‌بشـر زیـر شـکنجه کشـته شـد (مسـکویه، ۴۲۴/۶).

بیماری ابن‌بقیه زمینه را برای دشمنانش فراهم کرد تا در پی انتقام گرفتن از او باشند. ابن‌بقیه به بیماری سختی دچـار و نشـانه‌های مـرگ در وی آشـکار شـد. ایـن روی‌داد دوستانش را همچون حسن بن‌بشـر راعـی کـارگزار او در واسـط، واداشـت کـه بـرای جلوگیری از بازخواست مالی، پنهان شوند. هم‌چنین کسانی مانند ابونصـر سـراج پـیش بختیار رفتند و متعهد شند کـه می‌تواننـد از ابن‌بقیـه و کـارگزارانش پـول بگیرنـد، امـا عزالدوله این درخواست را نپذیرفت. پس از مدتی، اوضـاع ابن‌بقیـه بهبـود یافـت و از



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

توطئه ابونصر آگاه شد و او را شکنجه کرد و پول فراوانی از وی گرفت و سرانجام به بدترین شکلی او را کشت (همان).

تلاش برای تشکیل اتحادیه‌ای برای مقابله با تهدید عضدالدوله، از کارهای مهم ابن‌بقیه بود. عزالدوله که از آشکار شدن دشمنی عضدالدوله می‌هراسید، به رکن‌الدوله نامه نوشت و وی نیز پس از گفت‌وگو با عضدالدوله، خاطر او را از حمله فرزندش آسوده کرد (همان، ۴۳۱/۶). ابن‌بقیه، بختیار را به برقراری اتحاد با فخرالدوله و سهلان بن‌مسافر از سران سپاه فخرالدوله و حسنویه کرد بر ضد عضدالدوله برانگیخت. این افراد با یک‌دیگر پیمان بستند، اما اتحاد آنان پایدار نماند، بلکه از ترس رویارویی با عضدالدوله به هیچ کاری دست نزدند (ابن‌اثیر، ۸۵/۲۱). ابن‌بقیه و عزالدوله در پی ایجاد اتحاد جدیدی با ابوتغلب بن‌حمدان و عمران بن‌شاهین بودند و آشکارا نام عضدالدوله را در بغداد و دیگر منبرهای عراق از خطبه انداختند (مسکویه، ۴۳۲/۶). هم‌چنین در نامه‌ای به طائع لله، از درباره هم‌کاری در جنگ با عضدالدوله درخواست کردند، اما خلیفه درخواست آنان را نپذیرفت. گویی خلیفه با بختیار روابط استواری نداشته است. هنگام شورش ترکان بر ضد بختیار نیز خلیفه از ترکان پشتیبانی کرده بود (ابن‌اثیر، ۶۳/۲۱).

سپاه عضدالدوله و عزالدوله نزدیکی رامهرمز با یک‌دیگر روبه‌رو شدند. عزالدوله در این جنگ، نابلَدی نظامی‌اش را نشان داد و سواران را جلوی پیادگان چید و این خود سبب آشفتگی سپاهش شد. ابن‌بقیه و عزالدوله پس از شکستی سرنوشت‌ساز، به عمران بن‌شاهین در بطایح پناه بردند (ابن‌اثیر، ۸۶/۲۱؛ مسکویه، ۴۳۶/۶ و ۴۳۹؛ بوسه، ۲۳۳/۴).

ابن‌بقیه به تلاش مجددی دست زد و بار دیگر ترکان و دیلمیان نزد بختیار بازگشتند و سپاهیانی برای حملهٔ دوباره به عضدالدوله گرد آمدند، اما ناگهان با دل‌باختگی عزالدوله به غلامی ترک، مسیر جنگ تغییر کرد و امیر بویهی از سیاست کناره گرفت (مسکویه، ۴۴۰ و ۴۴۱). عزالدوله، احمد حسین بن‌موسی، نقیب طالبیان عراق را برای بازگرداندن غلام نزد عضدالدوله فرستاد. عضدالدوله که ابن‌بقیه را مدبّر اصلی کارهای عزالدوله می‌دانست و از او کینه به دل داشت، به شرط واگذاردن ابن‌بقیه، به رهایی



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

غلام رضایت داد (همدانی، ۳۳۴؛ ابن‌اثیر، ۸۷/۲۱). مسکویه درباره واگذاردن ابن‌بقیه به عضدالدوله می‌نویسد: در آن ماجرا ابراهیم بن‌اسماعیل، پرده‌دار عزالدوله، به دست‌گیری ابن‌بقیه سفارش کرد. وی پی‌آمد این کار را برای عزالدوله، چیرگی او بر سپاه و برقراری پیوند استوار با عضدالدوله می‌داند. بر پایه این روایت، عزالدوله پیش‌نهاد ابراهیم بن‌اسماعیل را پذیرفت (مسکویه، ۴۴۳/۶). ابن‌بقیه اول ذی‌الحجه ۳۶۶ به خانه بختیار آمد و او رادست‌گیر کردند. پیش از این روی‌داد، دوستش ابن‌راعی خانواده وی را دست‌گیر کرده بود (مسکویه، ۴۴۳/۶ و ۴۴۴). عضدالدوله از خبر دست‌گیری ابن‌بقیه خرسند شد. ابن‌خلکان می‌گوید: اینکه ابن‌بقیه عضدالدوله را به ابوبکر غددی[1] تشبیه کرده بود، از سبب‌های ناخرسندی عضدالدوله از او بود؛ چنان‌که در پی جبران این سخن از عزالدوله خواست که ابن‌بقیه را نزد وی بفرستد (ابن‌خلکان، ۱۱۹/۵). بهرام فرستاده عضدالدوله، نزد عزالدوله آمد (۳۶۷ ق) و خواستار واگذاردن ابن‌بقیه شد. سرداران عزالدوله به وی سفارش کردند که وزیر را سالم تحویل ندهد؛ زیرا می‌تواند از او به زیان عزالدوله بهره ببرد. از این‌رو، چشمان ابن‌بقیه را سحرگاه سوم ربیع‌الاول ۳۶۷ میل کشیدند (ابن‌اثیر، ۱۰۴/۲۱؛ مسکویه، ۴۴۷/۶).

هنگامی که ابن‌بقیه را به عضدالدوله سپردند، وی دستور داد که او را روی شتر در سپاه انگشت‌نما کنند؛ سپس او را زیر پای فیل انداختند و به بدترین شکلی کشتند. سرانجام او را کنار دجله به دار آویختند (جمعه ششم شوال ۳۶۷) (مسکویه، ۴۵۰/۶). وی همچنان بر دار ماند تا در دوره صمصام‌الدوله او را از دار به زیر آورند و دفن کردند (ابن‌اثیر، ۱۰۵/۲۱). درباره دوره وزارت ابن‌بقیه (چهار سال و یازده روز) (ابن‌جوزی، ۲۱۶/۱۴) داوری‌های گوناگونی صورت پذیرفته است. ابوالحسن انباری، دوست ابن‌بقیه و از شاعران بغداد، قصیده‌ای در رَثای او گفت که به سرعت میان مردم رواج یافت و هنگامی که به گوش عضدالدوله رسید، آرزو کرد که به جای ابن‌بقیه باشد. قصیده ویبا این ابیات آغاز می‌شود:

۱. ابوبکر غددی مردی از مردمان بغداد بود که صورتی بور با لکه‌های زشت و چشمانی کبود داشت و مردم برای خوراک گربه‌ها از او دنبلان می‌خریدند و ابن‌بقیه او را به عضدالدوله تشبیه کرده بود (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۱۱۹/۵).





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

عُلو فی الحیاه و المَمات
لحق أنتَ إحدی المعجزات
کان الناسَ حولک حَین قاموا
وَفود نَدَاک ایام الضّلات (ابن‌خلکان، ۱۲۰/۵، ابن‌کثیر، ۱۱: ۲۸۵).

باری، بیش‌تر مورخان به ستم‌کاری ناکاردانی وی اشاره کرده‌اند. کبیر معتقد است که ابن‌بقیه در آغاز وزارتش، به اندازه‌ای بر مردم ستم ورزید که رفتارهای ظالمانه ابوالفضل شیرازی نزد توده‌های مردم، عدل و انصاف می‌نمود (کبیر، ۵۰). آبادی‌ها بر اثر چنین رفتارهایی ویران شد، وارد کردن کالا کاهش یافت و هرج و مرج تا آن‌جا گسترش یافت که «روزی چند کشته کم‌تر نبود که کشنده ناشناخته بماند یا گرفتار نمی‌آمد» (ابن‌اثیر، ۴۱/۲۱؛ مسکویه، ۳۷۷/۶). در این وضع «دولت تهی‌دست، مردم بی‌چاره، خانه‌ها ویرانه، خواربار کم‌یاب و سپاهیان در آشوب بودند» (مسکویه، ۳۷۷/۶). ابن‌خلدون نیز از ستم ابن‌بقیه یاد می‌کند و می‌نویسد که ابوالفضل شیرازی به سبب ستم‌کاری فراوانش کنار رفت، اما ستم‌کاری در دوره ابن‌بقیه فزونی گرفت (ابن‌خلدون، ۶۶۰/۲-۶۶۱). ابن‌بقیه به‌رغم تلاش‌هایش برای تثبیت اوضاع و حل مشکلات، کام‌یاب نبود. متحده علت ناکامی وی را خاستگاه او می‌داند. او در خانهٔ فرودست زاده شده بود و هیچ‌گاه نتوانست دشمنان را قانع کند که که در جرگه رؤسا جای گرفته است (متحده، ۱۴۳). کرمر نیز می‌نویسد: در عصری که ابن‌بقیه میان دیگر وزیرا آل‌بویه استثنایی آشکار به شمار می‌رفت، حسدورزی مردان صالح نیز، ابن‌بقیه را از آنان دور کرد و این به وزارت او بسیار آسیب رساند (کرمر، ۳۱۸ و ۳۸۶). بیهقی سبب اصلی سقوط ابن‌بقیه را رفتار او با عضدالدوله می‌داند و می‌نویسد: ابن‌بقیه «جبّاری بود از جبابره، مردی فاضل و با نعمت و آلت و عُدَّت و حشمت بسیار، اما متهوّر» و «بی‌ادبی‌ها، تعدی‌ها [و] تهورها کرد و از عواقب نیاندیشید که با چون عضُد مردی، با سستی خداوندش آنها کرد که کردن آن خطاست» (بیهقی، ۱۹۵ و ۲۴۴).

## نتیجه

وزارت در دوره آل‌بویه منصب مهمی بود که در ساختار اداری و نظامی بسی



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

تأثیرگذار می‌نمود. این منصب به‌رغم اهمیتش به‌ویژه در شاخه عراق، ثباتی نداشت، بلکه وزیران از خشم و طمع امیران بویهی در امان نبودند. رسیدن به مقام وزارت مستلزم پیمودن مراحل پیش‌رفت در ساختار اداری بود، اما این قاعده در عمل همواره تحقق نمی‌یافت. ابن‌بقیه نیز پیشینهٔ دیوان‌سالاری نداشت و این ویژگی در کارهای وی بسیار تأثیر گذارد. چیره‌دستی ابن‌بقیه در کارهای مالی و ضعف شخصیت عزالدوله، از عوامل مهم در رسیدن او به مقام وزارت بود. وی بر پایه ناکارآمدی‌اش، بر مردم و کارگزاران حکومتی بسیار ستم ورزید و روابط عزالدوله با عضدالدوله را به جایی رساند که عضدالدوله را در فتح عراق مصمم کرد. سرانجام جایگاه ابن‌بقیه نزد عزالدوله به اندازه‌ای سست شد که وی را با غلامی مبادله کرد. ضعف عزالدوله در امر حکومت و نبود ثبات و آرامش در آل‌بویهٔ شاخه عراق، از علل مهم ناکامی ابن‌بقیه در منصب وزارت به شمار می‌رفت، اما سهم خود ابن‌بقیه از سهم بختیار در این زمینه، کم‌تر نبود. شاید علت اصلی ناکامی ابن‌بقیه نابرخورداری او از پیشینه دیوان‌سالاری بوده باشد؛ چنان‌که مخالفانش بدین سبب، مقام او را انکار می‌کردند و عضدالدوله نیز به‌رغم اینکه بارها از وی کمک گرفت، او را شایسته منصب وزارت نمی‌دانست. سرنوشت ابن‌بقیه از وضع وزیران آل‌بویه شاخه عراق و مأمون نبودن مال و جان آنان در آن دوران، حکایت می‌کند.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

## کتاب‌نامه


۱. ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

۲. ابن‌جوزی، ابوالفرج بن‌عبدالرحمن بن‌علی (۱۴۱۲ ق)، *المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم*، تحقیق محمّد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳)، *العبر؛ تاریخ ابن‌خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۴. ابن‌خلکان، ابوالعباس (بی‌تا)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالثقافه.

۵. ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن‌عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.

۶. بوسه، هیرمبرت (۱۳۸۵)، «ایران در عصر آل‌بویه»، در *تاریخ ایران کیمبریج*، گردآوری ر.ن.فرای، تهران، امیرکبیر.

۷. بیهقی، محمّد بن‌حسین (۱۳۵۶)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فردوسی.

۸. ثعالبی، ابومنصور، (۱۳۷۶)، *ثمار القلوب فی المضافات و المنصوب*، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی.

۹. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۱۷)، دستور الوزراء: شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان، تهران، کتاب‌فروشی اقبال.

۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸)، تاریخ مردم ایران: از پایان ساسانیان تا پایان آل‌بویه، تهران، امیرکبیر.

۱۱. سجادی، صادق (۱۳۷۴)، «ابن‌بقیه»، در موسوی بجنوردی، سید کاظم، *دائره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.





[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]

[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]

۱۲. کبیر، مفیزالله (۱۳۸۴)، «(نظام دیوانی بویهیان»، در *بویهیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
۱۳. ـــــــــــــ (۱۳۷۱)، *آل‌بویه در بغداد*، ترجمه مهدی افشار، تهران، رفعت.
۱۴. کرمر، جوئل.ل (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه محمّد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. متحده، روی (۱۳۸۸)، اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه (وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی سده های نخستین)، ترجمه محمّدرضا مصباحی و علی یحیایی، مشهد، خانه آبی.
۱۶. متز، آدام (۱۳۷۷)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
۱۷. مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، طوس.
۱۸. نخجوانی، هندوشاه (۱۳۱۳)، *تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان*، تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران، بی‌نا.
۱۹. بی‌نا (۱۳۸۳)، *مجمل التواریخ و القصص*، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران، دنیای کتاب.
۲۰. همدانی، محمّد بن‌عبدالملک (۱۹۶۹)، *تکلمه تاریخ طبری*، به کوشش آلبرت یوسف کنعان، بیروت، المطبعة کاتولیکیه.
۲۱. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، چاپ دوم، بیروت، دارصادر للطباعه و النشر.
۲۲. Cahen, Claude (1986), "Ibn Bakiyya", *Encyclopaedia of Islam*, v8, Leiden, E.J.Brill.
۲۳. Donohue, J.John, (2003), *The Buwayhid Dynasty in Iraq 334h./945 to 403h./1012:* □□□□□□□□ □□□□□□□□□□□□ □□□ □□□ □□□□□□□, □□□□□□□, □□: Bril.



[ Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11 ]
[ DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.6.2 ]